

بررسی نگرش افراد جامعه نسبت به مدارس غیرانتفاعی در شهر اصفهان

نویسندگان: محسن گل‌پرور^۱

دکتر حمیدرضا عریضی^۲

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی نگرش افراد جامعه نسبت به مدارس غیرانتفاعی در شهر اصفهان به مرحله اجرا درآمده است. از بین کلیه مناطق شهری اصفهان، ۳۱ خیابان به شیوه تصادفی از روی نقشه شهری طی نمونه‌گیری چند مرحله‌ای استخراج شده و ۱۵۰۰ نفر از افراد ساکن در این خیابان‌ها به عنوان گروه نمونه به پرسش‌نامه‌های پژوهش پاسخ داده‌اند. پرسش‌نامه نگرش‌سنج که در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته، بر اساس ادبیات تحقیق و یک مصاحبه مقدماتی تهیه

۱- عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی خوراسگان

۲- رئیس مرکز تحقیقات تربیتی دانشگاه اصفهان و استادیار دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه اصفهان



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

برای سؤال دهم) نگرش‌های منفی نسبت به مدارس غیرانتفاعی وجود داشت (در سؤال‌های ششم، هشتم و نهم، تفاوتی بین میانگین هر سؤال با میانگین ثابت ۳ به دست نیامد). در بعد اجتماعی نیز در سؤال اول تا یازدهم (با $8/786$ $t = 1$ برای سؤال سوم تا $-34/033$ $t = 1$ برای سؤال نهم) نگرش‌های منفی نسبت به مدارس غیرانتفاعی وجود داشت ولی در سؤال دوازدهم ($2/078$ $t = 2$ و $p = 0/038$) نگرشی مثبت نسبت به مدارس غیرانتفاعی مشاهده شد. در بعد اقتصادی نیز در سؤال‌های اول تا دوازدهم (با $2/443$ $t = 2$ و $-40/723$ $t = 1$ برای سؤال‌های ششم و دوازدهم، به ترتیب پایین‌ترین و بالاترین) نسبت به مدارس غیرانتفاعی نگرش منفی وجود داشت.

این مقاله توسط جنابان آقایان محسن گل‌پرور و دکتر حمیدرضا عریضی تدوین و به فصلنامه ارائه شده است که به این وسیله از ایشان تقدیر و تشکر می‌نماییم.

دفتر فصلنامه

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه*

هر جامعه، نظام ارتباطی نسبتاً پایداری در روابط اجتماعی گروه‌های بزرگی از افراد است که نیروی قانون، آداب و رسوم و... از آن حمایت می‌کند. بر همین مبنا، هر جامعه از عناصری تشکیل شده است؛ یعنی، از افرادی که در پیوند با یکدیگر، گروه‌های اجتماعی، طبقات اجتماعی و نهادها و سازمان‌های اجتماعی را می‌سازند (گلابی، ۱۳۸۰، گلشن فوضی، ۱۳۷۳). هر جامعه برای بقای افراد خود و تداوم حیات (فردی- اجتماعی)، ناگزیر به رفع برخی نیازهای اساسی، نظیر نیازهای اقتصادی، زاد و ولد، آموزش و پرورش و ایجاد نظم و امنیت عمومی بوده است و لذا در جریان رفع این نیازها به تدریج نهادهایی نظیر خانواده، آموزش و پرورش و... تشکیل شده‌اند. از بین نهادهای اجتماعی، نهاد آموزش و پرورش قدمتی چند هزار ساله دارد. هر نظام آموزشی و پرورشی در بعد پرورشی وظیفه هدایت رشد همه‌جانبه شخصیت پرورش یابندگان خود را در جهت کسب و درک معارف بشری و هنجارهای مورد پذیرش جامعه و نیز کمک به شکوفا شدن استعدادهای آنان و در بعد آموزش، وظیفه تسهیل یادگیری طی تدبیری از پیش طرح‌ریزی شده را به عهده دارد (قاسمی پویا، ۱۳۸۰). در شرایط کنونی در کشورهای گوناگون، نظیر آلمان، انگلستان، استرالیا، نیجریه، ماداگاسکار، اندونزی، چین، کره جنوبی، مالزی و... ترکیب‌های متفاوتی از مدارس دولتی و خصوصی از کودکان گرفته تا دانشگاه رسالت‌های آموزشی و پرورشی جوامع خود را بر عهده دارند.

در کشورهای پیشرفته، بخش خصوصی به اشکال متعدد تحت قوانین و آیین‌نامه‌های خاص اقدام به راه‌اندازی و اداره مدارس و دانشگاه‌های خصوصی

*- این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی مصوب شورای تحقیقات سازمان آموزش و پرورش استان اصفهان است.

می‌کنند در ایران نیز آموزش و پرورش پیشینه‌ای کهن دارد. ولی تأسیس مدارس ملی که نمونه‌ای از مدارس خصوصی است (و تا اندازه‌ای هم با مدارس غیرانتفاعی امروزیین شباهت‌هایی دارد) به اواخر دوره قاجار باز می‌گردد. به هر حال، از بدو تأسیس مدارس خصوصی از پیش از انقلاب اسلامی، فراز و نشیب‌های زیادی در افزایش و کاهش استقبال آحاد جامعه از این مدارس وجود داشته است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی تا سال ۱۳۶۷ بحث‌هایی بر سر ضرورت یا عدم ضرورت تشکیل مدارس غیردولتی در گرفت و در نهایت، در این سال (۱۳۶۷) مجلس شورای اسلامی وقت، قانون تأسیس و راه‌اندازی مدارس غیردولتی را در قالب مدارس غیرانتفاعی به تصویب رساند (حاضری، ۱۳۷۷). این مدارس بر اساس مصوبه مجلس شورای اسلامی، به عنوان مدارس معرفی شدند که برای تأمین بخشی از هزینه‌های خود و تهیه امکانات، از دانش‌آموزان شهریه دریافت می‌کنند.

با گذشت نزدیک به پانزده سال از تصویب و تأسیس مدارس غیرانتفاعی، به نظر می‌رسد که در شرایط کنونی، بستر لازم و مناسبی برای ارزیابی این مدارس توسط افراد جامعه فراهم شده است. همراه با بحث مربوط به گروه‌ها، نهادها و طبقات اجتماعی در سطحی خردتر، هر گروه یا نهاد یا طبقه اجتماعی را می‌توان متشکل از عناصری موسوم به افراد تلقی کرد که بر پایه نیازهای مشترک گرد هم آمده‌اند (کونن^۱، ۱۳۸۰).

هر یک این افراد، دارای باورداشته‌ها، انتظارات، تصورات و نگرش‌هایی است که رفتار او را به طور آشکار و نهان در مقابل پدیده‌های مختلف متأثر می‌سازند (برم و کازین^۲، ۱۹۹۹؛ ارسون، ویلسون و اکرت^۳، ۱۹۹۹؛ کنزیک،

1- Kohen

2- Brehm & Kassim

3- Aronson, Wilson & Akert

نیوبرگ و سیال‌دینی^۱، ۱۹۹۹؛ تیلور، پیلاووسیرز^۲، ۲۰۰۰؛ بارون و برن^۳، ۲۰۰۰؛ میرز^۴، ۱۹۹۳). در این میان، نگرش‌ها از طرف روان‌شناسان اجتماعی توجهات زیادی را به خود جلب کرده است: به گونه‌ای که دسته‌ای از صاحب‌نظران و اندیشمندان تا بدان‌جا پیش رفته‌اند، که موضوع اصلی روان‌شناسی اجتماعی را نگرش‌ها می‌دانند (کریمی، ۱۳۷۵ و ۱۳۷۹). برای نگرش، تعاریف مختلفی ارائه شده ولی تعریف سه مؤلفه‌ای نگرش با تأکید بر شناخت، عاطفه و رفتار، تعریفی است که بیش از همه تعاریف در مورد آن اتفاق نظر وجود دارد. عنصر شناختی این تعریف در برگیرنده اعتقادات و باورهای افراد درباره یک شیء، پدیده یا اندیشه، عنصر احساسی و عاطفی معمولاً به همراهی نوعی احساسی عاطفی با باور موضوع نگرش و مؤلفه رفتاری آن نیز اشاره‌ای است به این حقیقت که شخص دارای یک نگرش خاص، آمادگی عمل کردن به شیوه خاصی (در صورت مساعد بودن شرایط) را دارد. بر اساس مطالعات وسیع و گسترده‌ای که تا به امروز صورت گرفته است، عواملی از قبیل تجربه مستقیم، در معرض قرار گرفتن صرف، شرطی شدن کلاسیک، شرطی شدن کنش‌گر، الگو و سرمشق گرفتن، مقایسه اجتماعی، حرکات ماهیچه‌ها و عوامل ژنتیکی در شکل‌گیری نگرش‌ها در افراد نقش محوری را بازی می‌کنند (کریمی، ۱۳۷۹؛ السون و زانا^۵، ۱۹۹۳؛ بارون و برن، ۲۰۰۰). در کنار این مطالعات، نظریه‌پردازی‌های گوناگونی در قالب نظریه یادگیری نگرش‌ها، نظریه هم‌سازی شناخت (شامل نظیر توازن هایدلر. نظریه ناهماهنگی شناختی فستینگر و نظریه ادراک فردی بم)، نظریه انتظار- ارزش و نظریه پاسخ شناختی برای توضیح

1- Kenrick, Neuberg & Cialdini

2- Taylor, Paplau & Cears

3- Baron & Byrne

4- Myers

5- Olson & Zanna

عناصر دخیل در تغییر نگرش‌ها مطرح شده‌اند (تیلور، پیلا و سیرز، ۲۰۰۰؛ کنریک، نیوبرگ و سیالدنی، ۱۹۹۹). نکته‌ حایز اهمیت در بحث مربوط به نگرش‌ها این است که اکنون شواهد زیادی درباره‌ رابطه‌ نگرش و رفتار در مورد همان موضوع نگرش وجود دارد. بر اساس اطلاعات کنونی، وقتی نگرش‌ها نیرومند باشند (کروزنیک، بتس، جاسیم، بولیس^۱، ۱۹۹۳) به خوبی در نظام باورهای فردی جای گرفته شده باشند (پرسلین و اولتی^۲، ۱۹۹۴. کراوس^۳، ۱۹۹۵)، مهم و جدی باشند (بونینگر: کروزنیک و برنت^۴، ۱۹۹۵)، استواری و ثبات داشته باشند (داونینگ، جادوبرونر^۵، ۱۹۲۲، روزی والسون^۶، ۱۹۹۴)، در هنگام رفتار در مقابل یک موضوع نگرشی یا پدیده در دسترس باشند (بلاسکوچ و همکاران^۷، ۱۹۹۳). از قبل برجسته و متمایز شده باشند (پوساواک، سان بون ماشو و فازیو^۸، ۱۹۹۷). وقتی که استدلال در بحث نگرش‌های فرد دخالت کند (لوین، هالبرستاد و گلدستون^۹، ۱۹۹۶)، وقتی که فشارهای موقعیتی برای منجر شدن یک نگرش به رفتار مهیا باشد (مک کانل، لی بولد و شرمان^{۱۰}، ۱۹۹۷) همسازی بین رفتار و نگرش نیز بالا می‌رود.

بر مبنای این پیشینه غنی، علاقه و افری نیز در بین محققان وجود دارد که با بررسی نگرش‌های افراد نسبت به پدیده‌های مختلف (از جمله کلیسا، بیمارستان‌ها و آموزش و پرورش) زمینه‌ بروز رفتارهای حال و آینده آنها را

1- Krosnick, Betz, Jussim, Lynn

2- Prislín & Oullette

3- Kraus

4- Boninger, Krosnick & Berent

5- Downing, Judd & Fazio

6- Roese & Olson

7- Blascovich, Erast, Tomaka, Kelsey, Salmon & Fazio

8- Posavac, Sanbonmatsu & Fazio

9- Levine, Hallberstadt & Goldstone

10- Mc Connell, Leibold & Sherman

نسبت به همین پدیده‌ها بهتر متوجه شوند. در مجموع، بر مبنای ابعاد آموزشی و پرورشی و اقتصادی و اجتماعی نظام‌های آموزش و پرورش در سرتاسر دنیا، به نظر می‌رسد که گرایش‌های نگرشی در میان افراد جامعه بر مبنای همین چهار بعد نیز قابل بررسی است. در میان تنوع مدارس در قالب مدارس دولتی و غیرانتفاعی در کشورهای مختلف، نظریات، ایده‌ها و نگرش‌های متعددی نیز نسبت به عملکرد مدارس مختلف وجود دارد. مدارس خصوصی (در خارج از ایران) و مدارس غیرانتفاعی (در داخل ایران) تقریباً در اغلب کشورها به اشکال مختلف واکنش‌هایی را برانگیخته است (پیس سیوتا، ۱۹۹۱، قاسمی پویا، ۱۳۸۰). این گونه واکنش‌ها که به اشکال مختلف در نظریات و نگرش‌های آحاد و طبقات مختلف جوامع منعکس شده است. نشان می‌دهد که خوشه‌های نگرشی مثبتی نسبت به وضعیت آموزش در مدارس خصوصی وجود دارد (اپلی و رومانو، ۲، ۱۹۹۸). البته بنا بر گزارش‌های تحقیقی متفاوت، حتی در خارج از ایران نیز از نظر عملکرد آموزشی تنوع وسیعی در میان مدارس خصوصی وجود دارد (برای مثال، فردکین و توماس، ۳، ۱۹۹۷؛ مورسی و ستر، ۲۰۰۱. اسکیدلزکی، ۵، ۲۰۰۳)؛ البته این تفاوت به باور محققانی چون فردکین و توماس (۱۹۹۷) به مبانی اعتقادی، مذهبی، اجتماعی و اقتصادی پایه‌گذاران مدارس خصوصی بستگی دارد. بر اساس شواهد موجود در کشورهای که مدارس غیردولتی و خصوصی امکانات و تجهیزات بهتری را در اختیار دانش‌آموزان خود قرار می‌دهند، طبیعی است که بازدهی آموزش آن‌ها بالاتر

-
- 1- Pisciotta
 - 2- Epple & Romano
 - 3- Friedkin & Thomas
 - 4- Morse- Wooster
 - 5- Skidelsky

باشد (لازی بیلی و پنگتان^۱، ۲۰۰۳)؛ ولی چنانچه این شرایط میان مدارس دولتی و غیردولتی یکسان باشد یا حتی در برخی موارد نظیر مؤسسات آموزش عالی دولتی (به دلیل وجود حمایت‌ها و اعتبارات مالی فراوان دولتی)، این امکانات و تسهیلات در حد مطلوب‌تری باشد، ممکن است کیفیت و پیشرفت تحصیلی و آموزشی بهتر و بیشتری در بخش دولتی به وقوع بپیوندد. در کنار عامل امکانات و تجهیزات، کیفیت محیط خانوادگی کودکان و دانش‌آموزان، دسترسی به منابع آموزشی و کتاب‌های مرجع و مفید، کیفیت تسهیلات و امکانات فیزیکی، کتاب‌های درسی و همچنین کیفیت نحوه ورود به مدارس، از عواملی هستند که در بازدهی مدارس در سطح اجتماعی و اقتصادی تأثیر می‌گذارند. به باور محققانی چون فردکین و توماس (۱۹۹۷) و لازی بیلی و پنگتان (۲۰۰۳)، هر یک از این عوامل خود باعث شکل‌گیری فرایند آموزشی مؤثرتر می‌شود و به ترتیب، بازدهی و در نهایت برتری برخی مدارس خصوصی نسبت به مدارس دولتی (حداقل در برخی کشورها و در مواردی خاص، نظیر مدارس خصوصی بسیار مشهور و معروف) را به همراه می‌آورد. از طرف دیگر، به باور محققانی چون قاسمی پویا (۱۳۸۰) و مسعودی‌فر (۱۳۷۹) مدارس غیرانتفاعی در ایران به داشتن سطح آموزشی مطلوب‌تر نسبت به مدارس دولتی، شهرت دارند. این شهرت در مواردی توسط محققان دیگر (بابانیا ۱۳۷۴، کفاش ۱۳۷۶) تأیید شده و در مواردی دیگر با علامت سؤال (برای مثال، یزدان‌پناه، ۱۳۷۷) مواجهه است. این ناهمگنی میان مدارس غیرانتفاعی در ایران از نظر آموزش و پرورش، نگرش افراد جامعه را نیز چند قطبی کرده است. در این روند، دو قطب موافقین و مخالفین مدارس غیرانتفاعی هر یک بر ضعف‌ها و قوت‌های مدارس غیرانتفاعی تأکید کرده و برای تأیید

^۱ - Lassible & Peng tan

نظریات و ایده‌های خود، شواهدی نیز ارائه نموده‌اند (برای مثال، سجادی، ۱۳۷۳. پورقاسمی، ۱۳۷۴). به هر حال، گزارش‌های نگرشی در بعد آموزشی نسبت به مدارس غیرانتفاعی تمایل به مثبت بودن نشان می‌دهد ولی در بعد پرورشی، با تأکید بر شکوفاسازی استعدادها و توانایی‌های دانش‌آموزان، نگرش‌های ابراز شده اندکی منفی است (قاسمی، پویا ۱۳۸۰. سوداگر، ۱۳۷۳. رشیدی، ۱۳۷۴. مسعودی‌فر، ۱۳۷۹. میتصری، ۱۳۷۴). نتایج تحقیقات نسبتاً وسیعی که در بعضی کشورها از جمله آمریکا و انگلستان در مورد مدارس خصوصی انجام شده است، نشان می‌دهد که مدارس خصوصی از نظر زمانی که صرف تربیت و آموزش دانش‌آموزان خود می‌کنند، نسبت به مدارس دولتی برتری دارند (هادجی، ۱۹۹۷؛ بریج هاوس^۱، ۲۰۰۱). این زمان صرف شده اضافی، به نظر محققانی چون بریج هاوس (۲۰۰۱) چنانچه به شکوفاسازی استعدادها و تربیت اخلاقی و رفتاری مطلوب‌تر منجر شود، تعجب‌آور نیست. تحقیقات و بررسی‌های قبلی محققانی چون اسکالر^۲ (۱۹۷۹) نیز برتری نسبی عملکرد پرورشی مدارس خصوصی وابسته به کلیساهای پروتستان را در آمریکا تأیید کرده است. ابعاد اجتماعی و اقتصادی تقریباً بیشترین واکنش‌ها را نسبت به مدارس خصوصی (در خارج از ایسران) و مدارس غیرانتفاعی (در داخل ایران) در سطوح مخالفت‌ها و موافقت‌ها و به طور کلی نگرش نسبت به این مدارس پدید آورده‌اند. در سطح اجتماعی، مقبولیت اجتماعی این نوع مدارس از طرف مردم، هم‌خوانی عملکرد این مدارس با ارزش‌ها و اعتقاداتی که افراد جوامع برای آن‌ها ارزش عقلانی قائل‌اند. نظیر عدالت و برابری اجتماعی و برابری فرصت‌های دسترسی به منابع و امکانات اجتماعی مطرح است. در بعد

1- Hodge

2- Brighthouse

3- Schaller

اقتصادی نیز نگرش‌ها حول محور تأثیرات اقتصادی این مدارس بر خانواده‌ها و در سطح کلی‌تر بر اجتماع دور می‌زنند.

در بسیاری از کشورها چنین تصویری وجود دارد که مدارس غیردولتی به دلیل داشتن فرصت‌های مطلوب آموزشی، موجبات تحولات اجتماعی و حتی اقتصادی را فراهم می‌کنند (یینگ^۱، ۱۹۹۹؛ لازی بیلی و پنگ‌تان، ۲۰۰۳). در برخی از کشورها (از جمله آمریکا) از جمله تأثیرات اجتماعی مدارس چندگانه دولتی و غیردولتی، جداسازی نژادی میان گروه‌های قومی متفاوت است؛ برای مثال، در برخی کشورهای اروپایی و آمریکا نظام کوپینی - حمایتی وجود دارد که بر اساس آن، افراد گروه‌های کم‌درآمد و طبقات پایین اجتماع با حمایت دولت به مدارس خصوصی راه می‌یابند. این نوع حمایت‌ها اغلب در مسیر تغییر یا احیاناً از میان برداشتن نگرش‌های منفی نسبت به نظام‌های آموزش غیردولتی است (فیرلی^۲، ۲۰۰۲). به طور کلی، سیاست‌گذاری‌های آموزش و پرورش در کشورهای مختلف، احساس عدالت و برابری اجتماعی و اقتصادی را در افراد جامعه به شدت متأثر می‌سازد. این‌گونه احساسات مبتنی بر بی‌عدالتی و نابرابری اجتماعی، بخش اعظم نگرش‌ها و به تبع آن، رفتارهای مربوط در مقابل مدارس خصوصی و غیردولتی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و به صورت پنهان، اعتراضات متعددی را برمی‌انگیزد و در سطح اجتماعی به نوعی تبعیض نژادگرایی اجتماعی (یا آپارتاید اجتماعی) منجر می‌شود (هادجی، ۱۹۹۷). هادجی (۱۹۹۷) اظهار می‌دارد که چون در برخی از کشورها - به ویژه در آمریکا - تعلیم و تربیت در مدارس خصوصی به گونه‌ای است که بیشتر احتمال دارد به پیشرفت‌های آکادمیک سطحی بالاتر منجر شود و در عین حال، موجبات دستیابی به موفقیت‌های شغلی و اجتماعی بعدی را فراهم می‌سازد،

1- Jing

2- Fairly

نیاز است این تبعیض‌گرایی نابهنجار برطرف شود (هادجی، ۱۹۹۷، ص ۱۲).

نگرش‌های نامساعد در ابعاد اقتصادی و اجتماعی نسبت به مدارس غیرانتفاعی در ایران نیز در پژوهش‌های مختلفی ابراز شده است؛ برای مثال، قاسمی پویا (۱۳۸۰) و حاضری (۱۳۷۷) عمده‌ترین نگرش منفی نسبت به مدارس غیرانتفاعی را پیامدهای نامناسب اجتماعی فرهنگی ذکر کرده و وجود این مدارس را با جامعه عدالت جوی امروزی ایران، ناسازگار دانسته‌اند. حج فروش و وثوق (۱۳۷۴) نیز در بررسی خود در مورد نگرش‌های افراد جامعه در بعد اجتماعی تأکید می‌کنند که افراد جامعه بر این باورند که مدارس غیرانتفاعی ویژه فرزندان اقتسار مرفه است و در عین حال، ذکر می‌کنند که این مدارس سبب طبقاتی شدن آموزش و پرورش می‌شود و فاصله طبقاتی بین طبقات کم‌درآمد و پردرآمد را افزایش می‌دهد. به رغم چنین نگرش‌ها و باورهایی، شواهد ارائه شده از طرف حج فروش و وثوق (۱۳۷۴) نشان می‌دهد که والدین اکثریت دانش‌آموزانی که در مدارس غیرانتفاعی تحصیل می‌کنند، یا حداقل ۵۰ درصد آن‌ها، از اقتسار فرهنگی و کنارمند هستند. چنین وضعیتی، شکاف عمیقی را میان نگرش‌ها و باورها نسبت به مدارس غیرانتفاعی و واقعیت‌های موجود، نشان می‌دهد که جای تأمل فراوان دارد. در مجموع، به دلیل مواجهه فزاینده خانواده‌ها و افراد جامعه با مدارس غیرانتفاعی و از آنجایی که رفتار افراد جامعه یکی از عوامل محوری در رشد و گسترش این گونه مدارس است، در سطح اجتماع و مدارس (صرف‌نظر از بخش‌های آکادمیک) بحث‌های مخالف و موافق اهمیت زیادی پیدا می‌کند. از طرف دیگر، موفقیت در رشد و توسعه منطقی کیفیت آموزش و پرورش و در عین حال، کاربرد قوانین آموزش و پرورش تقریباً به طور کلی به نگرش‌های افراد جامعه

نسبت به مدارس بستگی دارد (بیلی و پلسیس^۱، ۱۹۹۷). به اعتقاد ایگلی و چیکن^۲ (۱۹۹۲)، افراد نگرش‌های خود را وقتی که با یک پدیده خاص یا مسأله مواجه می‌شوند، شکل می‌دهند. بر همین مبنا بخشی از نگرش‌های افراد جامعه (حداقل در برخی از آن‌ها) نسبت به مدارس غیرانتفاعی، ممکن است در اثر رویارویی (مواجهه تجربی) با این مدارس شکل گرفته باشد.

به هر حال، از آن‌جا که بعضی تحقیقات داخلی که در شهرهای مختلف صورت پذیرفته است این محدودیت را داشته‌اند که به طور مشخص و تفکیکی، نگرش‌ها و نظریات افراد جامعه (در شهرها یا استان‌های مختلف کشور) را نسبت به ابعاد آموزشی، پرورشی، اجتماعی و اقتصادی مدارس غیرانتفاعی مورد بررسی قرار نداده‌اند و در عین حال، برخی از محققان (مثل حاضری، ۱۳۷۷ و منتصری، ۱۳۷۴) نتایج خود را از طریق موارد خاص مدارس غیرانتفاعی گزارش نموده‌اند و بالاخره این‌که اغلب نظرخواهی‌ها و نگرش‌سنجش‌ها از والدین در یکی از مقاطع تحصیلی - یعنی دبستان، راهنمایی و دبیرستان - صورت گرفته است - از تمامی آحاد جامعه در سطح شهر، بنابراین، در پژوهش حاضر، سوال اصلی مورد پژوهش به صورت زیر طراحی شده است:

- نگرش افراد جامعه (والدینی که فرزند مدرسه‌رو در گودکستان، دبستان، راهنمایی و دبیرستان / اعم از پیش‌دانشگاهی / دارند) نسبت به مدارس غیرانتفاعی در ابعاد آموزشی، پرورشی، اجتماعی و اقتصادی چگونه است؟

1- Baile & Plessis

2- Eagly & Chaiken

روش

روش پژوهش: در این پژوهش هدف اصلی، بررسی نگرش‌های افراد جامعه نسبت به مدارس غیرانتفاعی در ابعاد آموزشی، پرورشی، اجتماعی و اقتصادی از طریق پرسش‌نامه بوده لذا روش زمینه‌یابی (پیمایش) استفاده شده است.

جامعه آماری: جامعه آماری این پژوهش را کلیه زنان و مردان ساکن پنج ناحیه شهری آموزش و پرورش شهر اصفهان که فرزند مدرسه‌رو در کودکستان، دوره ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان (اعم از پیش‌دانشگاهی) داشته‌اند، تشکیل داده‌اند. البته تعداد ساکنان این پنج ناحیه از لحاظ آماری به طور دقیق کاملاً مشخص نبود؛ لذا بر مبنای تعداد کل دانش‌آموزان پایه‌های کودکستان، ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان (اعم از پیش‌دانشگاهی) و با احتساب این‌که هر یک از دانش‌آموزان به طور فرضی دارای پدر و مادرند، تعداد کل دانش‌آموزان را ضرب در دو کرده و ۷۶۶۷۲۰ (هفتصد و شصت و شش هزار و هفتصد و بیست نفر) را به عنوان جامعه آماری در نظر گرفته‌ایم (اطلاعات مبنای برای محاسبه تعداد جامعه آماری بر اساس شرح فوق از دفترچه آمار اجمالی آموزش و پرورش استان اصفهان، صفحه ۵ و سال تحصیلی ۸۱-۸۰ استخراج شده است).

نمونه و روش نمونه‌گیری: بر اساس جامعه آماری یاد شده، حجم نمونه ۱۵۰۰ نفر در نظر گرفته شد. در عین حال، آخرین مرحله آماده‌سازی ابزار از بالاترین میانگین و انحراف استاندارد سوالات پرسش‌نامه نگرش (یعنی سؤال اول از بعد آموزشی که به ترتیب دارای میانگین $\bar{X} = 3/22$ و $SD = 1/227$ بود) استفاده شد و با استفاده از فرمول برآورد حجم نمونه بر مبنای میانگین و انحراف استاندارد نمونه (عمیدی، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۸۸)، کفایت حجم نمونه در نظر گرفته شده در سطح ۹۵ درصد اطمینان و در حد خطای نسبی ۰/۰۲ قابل اطمینان و اعتماد تشخیص داده شد. در عین حال، برای نمونه‌گیری افراد

جامعه، از نمونه‌گیری چند مرحله‌ای استفاده به عمل آمد؛ به عبارت دیگر، از میان ۱۴۰ خیابان اصلی شهر از روی نقشه شهری، حدود ۳۱ خیابان (در حدود نسبت ۲ به ۱۰) انتخاب و در مراحل بعد، ابتدا کوچه‌های این خیابان‌ها سپس، پلاک‌های زوج و فرد منازل به صورت تصادفی انتخاب شدند.

نحوه ساخت و تهیه پرسش‌نامه نگرش‌سنج: در ساخت پرسش‌نامه نگرش‌سنج، ابتدا با مروری بر ادبیات پژوهش (اعم از داخلی و خارجی)، کلیه نگرش‌های مطرح درباره مدارس غیرانتفاعی استخراج شد (در این قسمت از منابعی نظیر قاسمی پویا، ۱۳۸۰؛ موریش، ۱۳۷۳؛ حاضری، ۱۳۷۷؛ حیدری، ۱۳۷۶؛ رشیدی، ۱۳۷۴ و جلالی ۱۳۷۶ استفاده شده است). طی مرحله بعدی و در مطالعه اولیه، نگرش ۵۰ نفر از اعضای جامعه به صورت تصادفی از سطح شهر جمع‌آوری شد. نتایج حاصل از مراحل یساده شده، حدود ۴۰۰ گویه مقدماتی در مورد مدارس غیرانتفاعی بود. در مرحله بعدی، ۴۰۰ گویه به عنوان مخزن سؤالات در نظر گرفته شد. این سؤالات بر اساس محتوا به یکی از ابعاد آموزشی، پرورشی، اجتماعی و اقتصادی دسته‌بندی شدند و پس از دسته‌بندی مذکور با ادغام گویه‌های همیش، ۱۲۱ گویه جهت مطالعه مربوط به بعد پرورشی، ۲۹ گویه مربوط به بعد اجتماعی و ۳۶ گویه مربوط به بعد اقتصادی بوده است. این پرسش‌نامه ۱۲۱ سؤالی طی مطالعه مقدماتی بر روی ۶۰ نفر از اعضای جامعه در سطح شهر به صورت تصادفی اجرا گردید. پس از اجرای مقدماتی، تحلیل سؤالات و بررسی همسانی درونی حیطه‌ها نشان داد که تعدادی از سؤالات توان مطلوبی برای سنجش نگرش افراد جامعه نسبت به مدارس غیرانتفاعی را، ندارند؛ لذا با در نظر گرفتن استقلال محتوایی سؤالات و وضعیت آن‌ها در ماتریس ضرایب همبستگی با دیگر سؤالات، سؤالات مذکور حذف و باقی‌مانده سؤالات جهت اجرای نهایی انتخاب شدند. سؤالات نهایی باقی‌مانده برای اجرا، مشتمل بر ۴۸ سؤال بوده که هر دوازده

سؤال آن به یکی از حیطه‌های آموزشی، پرورشی، اجتماعی و اقتصادی مربوط می‌شده است.

ویژگی‌های روان‌سنجی پرسش‌نامه نگرش‌سنج: روایی پرسش‌نامه نگرش‌سنج از طریق روایی ظاهری و محتوایی توسط تنی چند از کارشناسان مدارس غیرانتفاعی سازمان کل آموزش و پرورش اصفهان و یکی از استادان دانشگاه مورد بررسی و تأیید قرار گرفته است. البته از بعد محتوایی نیز تک‌تک سؤالات با ابعاد آموزشی، پرورشی، اجتماعی و اقتصادی تطبیق داده شده است. در بررسی پایایی پرسش‌نامه، ابتدا همسانی درونی هر یک از ۱۲ سؤال ابعاد چهارگانه بررسی که بین ۰/۷۸ تا ۰/۸۹ در نوسان بوده و همسانی درونی (آلفای کرونباخ) کل پرسش‌نامه نگرش‌سنج ۰/۹۴ به دست آمد. در پایایی زمانی، از روش بازآزمایی با چهار هفته فاصله (و بر روی ۴۰ نفر) استفاده شده که ضرایب بین ۰/۴۸۵ برای بعد پرورشی و تا ۰/۷۱ برای بعد اقتصادی در نوسان بوده است.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها: در تحلیل و بررسی آماری داده‌ها از شاخص‌های گرایش مرکزی نظیر میانگین و انحراف استاندارد هر یک از سؤالات و در بررسی استنباطی داده‌ها، از آزمون پارامتریک t یک نمونه‌ای استفاده شده است. از آنجا که طیف نگرش‌سنج مورد استفاده در این پژوهش، بر مبنای طیف لیکرت (کاملاً مخالفم، مخالفم، نظری ندارم، موافقم و کاملاً موافقم) بوده، سطح اندازه‌گیری داده‌ها فاصله‌ای در نظر گرفته شده است. از طرف دیگر، بر اساس متون متعدد (نظیر شریعی و شریفی، ۱۳۸۰)، روش مقایسه میانگین هر سؤال را با میانگین ثابت ۳- که ملاک عددی نگرش متوسط در هر سؤال محسوب می‌شود- برای منفی یا مثبت بودن نگرش در هر سؤال معرفی نموده‌اند، از آزمون t یک نمونه‌ای جهت مقایسه میانگین هر سؤال با میانگین ثابت ۳ استفاده به عمل آمده است. از سوی دیگر، جهت بررسی نرمال

بودن توزیع نگرش‌ها، به عنوان یکی از پیش‌فرض‌های اجرای آزمون‌های پارامتریک نظیر آزمون t از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف استفاده شد و نرمال بودن توزیع نگرش‌ها تأیید گردید.

نتایج تحقیق

در راستای بررسی گرایش‌های نگرشی افراد جامعه نسبت به ابعاد آموزشی، پرورشی، اجتماعی و اقتصادی مدارس غیرانتفاعی، در زیر، هر یک از سؤال‌ها و ابعاد چهارگانه، اطلاعات مربوط به میانگین، انحراف استاندارد و نتایج بررسی و مقایسه میانگین هر سؤال با میانگین ثابت ۳ به تفکیک ارائه شده است. در جدول (۱) میانگین، انحراف استاندارد و نتایج آزمون t بعد آموزشی ارائه شده است.

جدول شماره ۱- میانگین، انحراف استاندارد و نتایج آزمون t یک نمونه از بعد آموزشی

شاخص‌های آماری سؤال‌ها	میانگین	انحراف استاندارد	خطای استاندارد میانگین	مقدار t	درجه آزادی	تفاوت میانگین	معناداری
سؤال اول	۳/۳۲	۱/۲۴	۰/۰۲	۱۰۰/۰۲۲	۱۴۹۹	۰/۳۲	۰/۰۰۰
سؤال دوم	۲/۶۵	۱/۲۵	۰/۰۲	-۱۰۰/۶۹۸	۱۴۹۹	-۰/۳۵	۰/۰۰۰
سؤال سوم	۲/۸۷	۱/۲۲	۰/۰۲	-۴/۱۲۳	۱۴۹۹	-۰/۱۳	۰/۰۰۰
سؤال چهارم	۲/۶۴	۱/۱۳	۰/۰۲	-۱۲/۱۹۲	۱۴۹۹	-۰/۳۶	۰/۰۰۰
سؤال پنجم	۲/۵۴	۱/۲۱	۰/۰۲	-۱۲/۶۶۷	۱۴۹۹	-۰/۴۶	۰/۰۰۰
سؤال ششم	۲/۵۸	۱/۱۲	۰/۰۲	-۱۲/۵۷۹	۱۴۹۹	۰/۴۲	۰/۰۰۰
سؤال هفتم	۲/۶۹	۱/۲۱	۰/۰۲	-۱۰۰/۵۵۷	۱۴۹۹	۰/۳۱	۰/۰۰۰
سؤال هشتم	۲/۷۹	۱/۲۴	۰/۰۲	۶/۵۷۶	۱۴۹۹	۰/۲۱	۰/۰۰۰
سؤال نهم	۲/۹۸	۱/۲۱	۰/۰۲	-۰/۵۳۲	۱۴۹۹	-۱/۶۷	۰/۰۵۹۵
سؤال دهم	۲/۰۸	۰/۹۲	۰/۰۲	-۳۸/۵۵۲	۱۴۹۹	-۰/۹۲	۰/۰۰۰
سؤال یازدهم	۱/۶۷	۰/۸۵	۰/۰۲	-۶۰/۹۵۵	۱۴۹۹	-۱/۳۳	۰/۰۰۰
سؤال دوازدهم	۲	۰/۹۸	۰/۰۲	-۳۹/۵۹۶	۱۴۹۹	۱	۰/۰۰۰

همان‌طور که در جدول شماره ۱ مشاهده می‌شود، فقط سؤال اول (خانواده‌هایی که بچه‌های خود را به مدارس غیرانتفاعی می‌فرستند، فقط به دنبال گرفتن مدرک‌اند.) از میانگین ثابت ۳ بزرگ‌تر است و معناداری مزبور

($t=10/022$; $P=0$) نیز نشان می‌دهد که این نگرش مثبت معنادار است. در دیگر سؤالات، به جز سؤال نهم با مضمون مدارس غیرانتفاعی فقط تبلیغ می‌کنند و خبری از آموزش بهتر در آنجا نیست، میانگین سؤال برابر با $2/98$ بوده و از میانگین ثابت ۳ با $P=0/095$ هم معنادار نیست؛ کلیه میانگین‌ها برای سؤالات دیگر کمتر از میانگین ثابت ۳ (با کمترین میانگین برای سؤال یازدهم با $1/67$ و بالاترین میانگین برای سؤال سوم با $2/87$) است و کلیه این میانگین‌ها هم از میانگین یا متوسط نگرش در هر سؤال متفاوت منفی، یک سؤال نگرش متوسط و یک سؤال نگرش مثبت نسبت به بعد آموزش در مدارس غیرانتفاعی وجود دارد. در جدول شماره ۲، اطلاعات مربوط به بعد پرورشی پرسش‌نامه نگرش‌سنج ارائه شده است.

جدول شماره ۲- میانگین، انحراف استاندارد و نتایج آزمون t یک نمونه‌ای در بعد پرورشی

معداری	تفاوت میانگین	درجه آزادی	مقدار t	خطای استاندارد میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	شاخص‌های آماری سؤال‌ها
۰/۰۰۰	-۰/۸۰	۱۴۹۹	۳۰/۴۹۱	۳/۱۹۱ -۰۲	۱/۰۱	۲/۲۰	سؤال اول
۰/۰۰۰	-۰/۵۳	۱۴۹۹	-۱۹/۵۵۸	۲/۷۲۱ -۰۲	۱/۰۵	۲/۴۷	سؤال دوم
۰/۰۰۰	-۰/۴۲	۱۴۹۹	۱۴/۷۷۴	۲/۸۷۱ -۰۲	۱/۱۱	۲/۵۸	سؤال سوم
۰/۰۰۰	-۰/۴۴	۱۴۹۹	-۱۴/۶۳۸	۲/۹۷۱ -۰۲	۱/۱۵	۲/۵۶	سؤال چهارم
۰/۰۰۰	-۰/۱۳	۱۴۹۹	-۴/۴۹۲	۲/۸۵۱ -۰۲	۱/۱۰	۲/۸۷	سؤال پنجم
۰/۳۲۳	-۲/۴۰۱ -۰۲	۱۴۹۹	۰/۹۸۹	۲/۴۳۱ -۰۲	۰/۹۴	۲/۹۸	سؤال ششم
۰/۰۰۰	۰/۱۹	۱۴۹۹	-۶/۸۷۰	۲/۷۵۱ -۰۲	۱/۰۶	۲/۸۱	سؤال هفتم
۰/۲۷	-۳/۲۷۱ -۰۲	۱۴۹۹	-۱/۱۰۴	۲/۹۶۱ -۰۲	۱/۱۵	۲/۹۷	سؤال هشتم
۰/۱۰۶	-۵/۲۰۱ -۰۲	۱۴۹۹	۱/۶۱۶	۳/۲۲۱ -۰۲	۱/۲۵	۳/۰۵	سؤال نهم
۰/۰۰۰	۰/۷۰	۱۴۹۹	۲۵/۳۶۴	۲/۷۷۱ -۰۲	۱/۰۷	۲/۳۰	سؤال دهم
۰/۰۰۰	-۰/۶۳	۱۴۹۹	-۲۲/۰۶۳	۲/۸۶۱ -۰۲	۱/۱۱	۲/۳۷	سؤال یازدهم
۰/۰۱۰	-۷/۸۱۱ -۰۲	۱۴۹۹	-۲/۵۷۳	۳/۰۳۱ -۰۲	۱/۱۷	۲/۹۲	سؤال دوازدهم

همان‌طور که در جدول شماره ۲ ملاحظه می‌شود، سؤال ششم (با مضمون:

معلوم نیست چرا مدارس غیرانتفاعی این قدر نسبت به ارج نهادن دانش‌آموزانشان به حقوق جامعه و دیگران بی‌توجه‌اند)، سؤال هشتم (با

مضمون: تربیت دانش‌آموزان برای مسئولیت‌پذیری بیشتر در جامعه در مدارس غیرانتفاعی به دست فراموشی سپرده شده است) و سؤال نهم (با مضمون: هیچ وقت از مدارس غیرانتفاعی خوش نیامده است، که دارای بار احساس و یا عاطفی از بعد نگرشی است) با میانگین‌های ۲/۹۸؛ ۲/۹۷ و ۳/۰۵ به ترتیب تفاوت معناداری ($P > ۰/۰۵$) با میانگین ثابت ۳ که نشان‌دهنده نگرش متوسط، (یعنی نه منفی و نه مثبت) ندارد، دیگر سؤالات (یعنی سؤالات یک، دو، سه، چهار، پنج، هفت، ده، یازده و دوازده) همگی دارای میانگین کمتر از ۳ بوده و در عین حال از میانگین ثابت ۳ تفاوت معناداری (با کمترین برای $t = -۲/۵۷۳, P = ۰/۰۱۰$ برای سؤال دوازدهم و بیشترین برای $t = -۳۰/۴۹۱, P = ۰$ برای سؤال اول) داشته‌اند؛ بنابراین، نتیجه‌گیری می‌شود که در سه سؤال مربوط به بعد پرورشی، نگرش‌ها متوسط و در نه سؤال دیگر، نگرش‌ها نسبت به مدارس غیرانتفاعی در بعد پرورشی منفی است. در جدول شماره ۳ اطلاعات مربوط به نگرش‌ها نسبت به بعد اجتماعی مدارس غیرانتفاعی ارائه شده است.

جدول شماره ۳- میانگین، انحراف استاندارد و نتایج آزمون t یک نمونه‌ای در بعد اجتماعی

شاخص‌های آماری سؤال‌ها	میانگین	انحراف استاندارد	خطای استاندارد میانگین	مقدار t	درجه آزادی	تفاوت میانگین	معناداری
سؤال اول	۲/۴۹	۱/۰۷	۲/۸۷۴: -۰۲	-۱۸/۵۰۳	۱۴۹۹	-۰/۵۱	۰/۰۰۰
سؤال دوم	۲/۶۹	۱/۰۶	۲/۸۷۳: -۰۲	-۱۱/۳۱۵	۱۴۹۹	-۰/۳۱	۰/۰۰۰
سؤال سوم	۲/۸۳	۱/۱۹	۲/۰۸۴: -۰۲	-۸/۷۸۶	۱۴۹۹	-۰/۲۷	۰/۰۰۰
سؤال چهارم	۲/۲۶	۱/۱۵	۲/۹۶۶: -۰۲	-۲۵/۱۶۳	۱۴۹۹	-۰/۷۴	۰/۰۰۰
سؤال پنجم	۲/۵۰	۱/۱۸	۳/۰۳۴: -۰۲	-۱۶/۳۷۸	۱۴۹۹	-۰/۱۵	۰/۰۰۰
سؤال ششم	۲/۵۵	۱/۱۹	۳/۰۷۴: -۰۲	-۱۴/۵۹۴	۱۴۹۹	-۰/۴۵	۰/۰۰۰
سؤال هفتم	۲/۴۹	۱/۱۹	۳/۰۸۴: -۰۲	-۱۶/۶۶۹	۱۴۹۹	-۰/۵۱	۰/۰۰۰
سؤال هشتم	۲/۱۳	۱/۱۵	۲/۹۶۶: -۰۲	-۲۹/۲۵۸	۱۴۹۹	-۰/۸۷	۰/۰۰۰
سؤال نهم	۲/۰۳	۱/۱۰	۲/۸۵۴: -۰۲	-۲۴/۰۳۳	۱۴۹۹	-۰/۹۷	۰/۵۹۵
سؤال دهم	۲/۱۹	۱/۰۹	۲/۸۲۴: -۰۲	-۲۸/۵۶۲	۱۴۹۹	-۰/۸۱	۰/۰۰۰
سؤال یازدهم	۲/۵۸	۱/۱۵	۲/۹۶۶: -۰۲	-۱۴/۲۹۴	۱۴۹۹	-۰/۴۲	۰/۰۰۰
سؤال دوازدهم	۳/۰۷	۱/۲۲	۲/۱۴۴: -۰۲	۲/۰۷۸	۱۴۹۹	۶/۵۳۴: -۰۲	۰/۰۳۸

همان‌طور که در جدول شماره ۳ ملاحظه می‌شود، میانگین سؤالات اول تا یازدهم (با کمترین میانگین برای سؤال نهم با ۲/۰۳ و بیشترین میانگین برای سؤال سوم با ۲/۷۳) از میانگین ثابت سه کمتر است و در عین حال، آزمون ۱ انجام شده (با کمترین ۱ منفی برای سؤال سوم با ۸/۷۸۶- و بیشترین ۱ منفی برای سؤال نهم با ۳۴/۰۳۳-) نشان می‌دهد که کلیه ۱های منفی به دست آمده با صد در صد اطمینان ($P < 0.05, P = 0$) معنادار است. اما در سؤال دوازدهم با میانگین ۳/۰۷ (که از میانگین ثابت ۳ بزرگ‌تر است) t به دست آمده مثبت (برابر با ۲/۰۷۸) و معنادار ($P < 0.05, P = 0.38$) است؛ بنابراین، نتیجه‌گیری می‌شود که در بعد اجتماعی، در یازده سؤال اول نگرش منفی و در یک سؤال (سؤال دوازدهم) نگرشی مثبت نسبت به مدارس غیرانتفاعی وجود داشته است. در جدول شماره ۴ اطلاعات مربوط به نگرش‌ها در بعد اقتصادی نسبت به مدارس غیرانتفاعی ارائه شده است.

جدول شماره ۴- میانگین، انحراف استاندارد و نتایج آزمون ۱ یک نمونه‌ای در بعد اقتصادی

شاخص‌های آماری سؤال‌ها	میانگین	انحراف استاندارد	خطای استاندارد میانگین	مقدار t	درجه آزادی	تفاوت میانگین	معناداری
سؤال اول	۲/۴۶	۱/۳۲	۳/۴۲۱:۰۰۲	-۱۵/۸۴۷	۱۴۹۹	۰/۰۵۴	۰/۰۰۰
سؤال دوم	۲/۴۹	۱/۳۰	۳/۳۵۱:۰۰۲	-۱۵/۳۰۵	۱۴۹۹	۰/۰۵۱	۰/۰۰۰
سؤال سوم	۲/۳۹	۱/۱۶	۳/۰۰۱:۰۰۲	-۲۰/۱۴۴	۱۴۹۹	۰/۰۶۱	۰/۰۰۰
سؤال چهارم	۲/۴۴	۱/۱۷	۳/۰۰۱:۰۰۲	-۱۸/۷۷۱	۱۴۹۹	-۰/۰۵۶	۰/۰۰۰
سؤال پنجم	۲/۲۲	۱/۱۶	۳/۰۰۱:۰۰۲	-۲۵/۹۹۹	۱۴۹۹	-۰/۰۷۸	۰/۰۰۰
سؤال ششم	۲/۹۲	۱/۲۹	۳/۳۳۱:۰۰۲	-۲/۴۴۳	۱۴۹۹	-۸/۱۳۴:۰۰۲	۰/۰۱۵
سؤال هفتم	۲/۴۸	۰/۹۸	۲/۵۲۱:۰۰۲	۲۰/۵۲۸	۱۴۹۹	-۰/۰۵۲	۰/۰۰۰
سؤال هشتم	۲/۰۷	۱/۱۶	۲/۹۹۱:۰۰۲	۳/۱۲۳۳	۱۴۹۹	-۰/۰۹۳	۰/۰۰۰
سؤال نهم	۲/۱۴	۱/۱۱	۲/۸۷۱:۰۰۲	-۲۹/۸۲۲	۱۴۹۹	-۰/۰۸۶	۰/۰۵۹۵
سؤال دهم	۱/۹۷	۱	۲/۵۹۱:۰۰۲	-۳۹/۸۰۴	۱۴۹۹	-۱/۰۳	۰/۰۰۰
سؤال یازدهم	۲/۸۳	۱/۲۵	۳/۲۲۱:۰۰۲	۵/۳۰۱	۱۴۹۹	-۰/۰۱۷	۰/۰۰۰
سؤال دوازدهم	۱/۸۹	۱/۵۰	۲/۸۲۱:۰۰۲	-۴۰/۷۲۳	۱۴۹۹	-۱/۰۱۱	۰/۰۳۸

چنانچه در جدول (۴) مشاهده می‌شود، کلیه میانگین‌های مربوط به دوازده سؤال بعد اقتصادی (با کمترین میانگین برای سؤال دوازدهم با ۱/۸۹ و بیشترین میانگین برای سؤال ششم با ۲/۹۲) کمتر از میانگین ثابت ۳ (که نشان‌دهنده نگرش متوسط و یا به عبارتی دیگر نه مثبت و نه منفی می‌باشد) است. نتایج آزمون t یک نمونه‌ای انجام شده نیز نشان می‌دهد که همه آ‌های به دست آمده منفی (با کمترین t منفی برای سؤال ششم با ۲/۴۴۳- و بیشترین t منفی برای سؤال دوازدهم با ۴۰/۷۲۳-) است. همه آ‌های منفی به دست آمده نیز معنادار (با کمترین معناداری برای سؤال دوازدهم برابر $P = ۰/۰۳۸$ تا بیشترین معناداری با $P = ۰$ یا $P < ۰/۰۵$ برای سؤال اول، دوم، سوم، چهارم، پنجم، ششم، هفتم، هشتم، نهم، دهم و یازدهم) است؛ بنابراین، نتیجه‌گیری می‌شود که نگرش‌های ابراز شده در سؤالات دوازده‌گانه اقتصادی نسبت به مدارس غیرانتفاعی منفی است.

در سطح کلی در ابعاد آموزشی، پرورشی، اجتماعی و اقتصادی و نگرش کلی (حاصل جمع چهار بعد یاد شده) نیز بررسی‌های صورت گرفته که اطلاعات آن در جدول شماره ۵ ارائه شده است.

جدول شماره ۵- میانگین، انحراف استاندارد و نتایج آزمون t یک نمونه نگرش کلی در ابعاد

آموزش، پرورش، اجتماعی و اقتصادی و نگرش کلی

شاخص‌های آماری سؤال‌ها	میانگین	انحراف استاندارد	خطای استاندارد میانگین	مقدار t	درجه آزادی	تفاوت میانگین	معناداری
آموزشی	۳۰/۸۱	۷/۴۱	۰/۱۹	۲۷/۱۱۶	۱۴۹۹	-۵/۱۹	۰/۰۰۰
پرورشی	۳۲/۰۸	۷/۷۲	۰/۲۰	۱۹/۶۷۹	۱۴۹۹	-۳/۹۲	۰/۰۰۰
اجتماعی	۲۹/۷۱	۸/۳۸	۰/۲۲	۲۹/۱۰۸	۱۴۹۹	-۶/۲۹	۰/۰۰۰
اقتصادی	۲۸/۳۰	۹/۴۴	۰/۲۴	-۳۱/۶۰۹	۱۴۹۹	-۷/۷۰	۰/۰۰۰
نگرش کلی	۱۲۰/۸۹	۲۸/۱۷۸	۰/۷۲۷۶	-۳۱/۷۵	۱۴۹۹	۲۳/۱۰۴۷	۰/۰۰۰

در جدول شماره ۵ ملاحظه می‌شود، میانگین چهار بعد آموزشی، پرورشی، اجتماعی و اقتصادی از میانگین ۳۶ (که حاصل میانگین ۱۲ سؤال هر بعد به طور کلی است) کمتر است و در عین حال، بر اساس آزمون t انجام شده، کلیه t های چهار بعد یاد شده منفی و معنادار ($P < .05$) است. در بعد نگرش کلی (که حاصل جمع نگرش‌های چهار بعد آموزشی، پرورشی، اجتماعی و اقتصادی است) میانگین کل مقیاس در سطح نگرش متوسط ۱۴۴ است که میانگین به دست آمده از آن کوچک‌تر و t منفی آن نیز معنادار ($P < .05$) است. لذا در سطح چهار بعد و کلی، نگرش‌ها نسبت به مدارس غیرانتفاعی منفی بوده است.

بحث و نتیجه‌گیری

نگرش‌های اعلام شده نسبت به مدارس غیرانتفاعی در بخش نتایج ارائه شد. در بعد آموزشی، مضامینی نظیر "مدارس غیرانتفاعی صرفاً مدرک می‌دهند و آموزش آینده‌ساز ارائه نمی‌کنند، مدارس غیرانتفاعی باعث بسالارفتن رقابت آموزشی در مدارس دولتی می‌شوند، تحصیل در مدارس غیرانتفاعی به موفقیت آموزشی بیشتر منجر می‌شود، دانش‌آموزان غیرانتفاعی از نظر تحصیل با انگیزه‌تر از دانش‌آموزان دیگر مدارس اند، مدارس غیرانتفاعی و تحصیل در آن‌ها موجب راه‌یابی بهتر به دانشگاه می‌شود، با تعریف و تمجیدهایی که از مدارس غیرانتفاعی می‌شنویم ثبت‌نام فرزندان در آن امر معقولی است، بهترین شرایط رقابت آموزشی در مدارس غیرانتفاعی وجود دارد، نمراتسی که دانش‌آموزان مدارس غیرانتفاعی در این مدارس می‌گیرند، به واقعیت نزدیک نیست، مدارس غیرانتفاعی آموزش برتر ارائه نمی‌کنند بلکه فقط تبلیغ می‌کنند، اگر بر کیفیت آموزشی در مدارس غیرانتفاعی کنترل بیشتری اعمال می‌شد بهتر بود، اگر بخواهم فرزندم را در مدارس غیرانتفاعی ثبت‌نام کنم، درباره‌ی معلمان آن‌ها خوب تحقیق می‌کنم، بهتر است به آموزش دقیق‌تر در مدارس غیرانتفاعی توجه بیشتری شود." مطرح بودند. شواهد مربوط به بررسی نگرش‌های ابراز

شده در سؤالات دوازده‌گانه بعد آموزشی نشان داد که فقط در سؤال اول، نگرش‌های افراد جامعه نسبت به مدارس غیرانتفاعی مثبت و در دیگر موارد، نگرش‌ها نسبت به این مدارس منفی بود. به ویژه در مورد این‌که باید بر کیفیت آموزش در این مدارس کنترل بیشتری اعمال شود، گرایش‌های نگرشی موافق، نیرومند بود. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که نگرش‌های ابراز شده نسبت به آموزش در مدارس غیرانتفاعی با نتایج حاصل از تحقیقات محققانی چون قاسمی پویا (۱۳۸۰) و حاضری (۱۳۷۷) مبنی بر این‌که وضعیت آموزش در مدارس غیرانتفاعی بهتر از مدارس دیگر و از جمله مدارس دولتی است، همسویی ندارد ولی با تحقیقات محققانی چون جلالی (۱۳۷۴) همسویی نشان می‌دهد. در عین حال، نتایج حاصل از این تحقیق با تحقیقات مسعودی‌فر (۱۳۷۹)، رستمی (۱۳۷۵) و رشیدی (۱۳۷۴) که اعلام داشته‌اند، افراد جامعه در شهرستان‌های دیگر هم نسبت به مدارس غیرانتفاعی نگرش منفی دارند. همسویی نسبی نشان می‌دهد. چنانچه مشخص است، یافته‌های حاصل از نظرسنجی‌ها و نگرش‌سنجی‌ها در ایران دارای همسویی مشخصی نیست؛ به عبارت دیگر، گروهی از تحقیقات از برتری آموزشی مدارس غیرانتفاعی نسبت به مدارس دولتی خبر می‌دهند و گروه دیگر، این برتری را زیر سؤال برده‌اند. این روند در تحقیقات خارجی نظیر اپلی و رومانو (۱۹۹۸) نیز به طور نسبی نشان داده شده است؛ به عبارتی کلی‌تر، تنوع نگرش‌ها و نظریات نسبت به مدارس خصوصی در خارج از ایران و مدارس غیرانتفاعی در ایران، امری فراگیر و کلی است. همان‌طور که در تحقیقات و بررسی‌هایی که از طریق مصاحبه یا مشاهده حضوری (مانند یزدان‌پناه، ۱۳۷۷) صورت گرفته، نشان داده شده است، در ایران هم تنوع وسیعی میان مدارس غیرانتفاعی و خصوصی وجود دارد؛ لذا ممکن است نگرش‌های منفی ابراز شده توسط افراد جامعه صرفاً بر اساس موارد محدود یا وسیع مواجهه افراد جامعه با مدارس

غیرانتفاعی که کیفیت آموزش مطلوب در آن‌ها چندان جامه عمل پوشیده نشده است، شکل گرفته باشد. در عین حال، منابع اطلاعاتی و خبررسان نیز که به طور رسمی و غیررسمی وضعیت آموزش در مدارس غیرانتفاعی را اطلاع می‌دهند، نیز ممکن است در شکل‌گیری این نگرش‌های منفی نقش داشته باشند. به علاوه، این احتمال وجود دارد که نگرش‌های افراد جامعه مبتنی بر واقعیات نباشد؛ چرا که احتمال می‌رود که این نگرش‌ها بر پایه اطلاعات نادرست اشاعه داده شده در مورد ضعف کیفیت آموزشی در مدارس غیرانتفاعی استوار باشد. بالاخره این که احتمال می‌رود که به دلیل دریافت شهریه در مدارس غیرانتفاعی، افراد جامعه نگرش منفی خود را نسبت به مسأله دریافت پول برای تحصیل به امر آموزش یا پرورش در مدارس غیرانتفاعی هم تعمیم داده باشند.

در بعد پرورشی نیز سؤالاتی با این مضامین مطرح شده است: "مدارس غیرانتفاعی شایسته‌ترین افراد را تربیت می‌کنند، تحصیل در مدارس غیرانتفاعی باعث شکفته شدن استعداد دانش‌آموزان می‌شود، تحصیل در مدارس غیرانتفاعی آینده‌ای درخشان‌تر را به ارمغان می‌آورد، دانش‌آموزان مدارس غیرانتفاعی، افرادی مؤدب و خوش‌رفتارند، مدارس غیرانتفاعی به ارج نهادن دانش‌آموزانشان به حقوق جامعه و دیگران توجهی ندارند، ارزش‌های تربیتی در مدارس غیرانتفاعی قربانی منافع گرانندگان آن‌ها می‌شوند، تربیت بر مبنای مسئولیت‌پذیری در مدارس غیرانتفاعی به دست فراموشی سپرده شده است؛ این که احساس خوبی نسبت به مدارس غیرانتفاعی ندارم (که سؤالی دارای بار عاطفی و احساسی در بعد نگرش‌سنجی است)، ای کاش مسائل اخلاقی و انضباطی بیشتر به دانش‌آموزان مدارس غیرانتفاعی تذکر داده می‌شد، والدینی که فرزندانشان در مدارس غیرانتفاعی تحصیل می‌کنند، نسبت به آینده فرزندان خود نگران‌اند؛ شواهد ارائه شده در بخش نتایج نشان داد که به جز سؤالات

ششم، هشتم و نهم که نگرش‌ها در سطح متوسط بود، در دیگر موارد، نگرش‌های ابراز شده نسبت به مدارس غیرانتفاعی در بعد پرورشی، منفی بود. این یافته‌ها با نتایج حاصل از تحقیقات مسعودی‌فر (۱۳۷۹) رشیدی (۱۳۷۴) و منتصری (۱۳۷۴) همسویی قابل ملاحظه‌ای نشان می‌دهد. چنانچه که محققانی چون قاسمی پویا (۱۳۸۰) نیز اشاره کرده‌اند، نگرش‌ها نسبت به مدارس غیرانتفاعی در بعد پرورشی همانند بعد آموزشی، چندان مثبت نیست. بخشی از این نگرش‌ها، در مجموع ممکن است حاصل انتظارات کلی اجتماع و به ویژه خانواده‌ها از این مدارس باشد؛ به عبارت دیگر، چنین نگرش‌هایی در بعد تربیتی و پرورش در ابعاد اخلاقی و رفتاری و شکوفاسازی استعدادها ممکن است نه در مورد مدارس غیرانتفاعی، بلکه در مورد مدارس دیگر از جمله مدارس نمونه مردمی و... هم وجود داشته باشد. در تحقیقات خارجی نیز نوعی ناهمسانی در بین مدارس خصوصی نسبت به پرورش و تربیت اخلاقی، رفتاری و شکوفاسازی استعدادهای دانش‌آموزان وجود دارد؛ برای مثال، اسکالر (۱۹۷۹) و مورس وستر (۲۰۰۱) اشاره کرده‌اند که تنوع وسیعی در میان مدارس خصوصی مذاهب وابسته به مسیحیت وجود دارد. در برخی از این مدارس، بر پرورش‌های مذهبی، اخلاقی و رفتاری و حتی شکوفاسازی توانایی‌های بالقوه دانش‌آموزان، نسبت به دیگر مدارس، بیشتر تأکید می‌شود؛ در حالی که برخی دیگر بر آموزش‌هایی که تضمینی برای موفقیت در راه‌یابی به دانشگاه‌ها و کسب پایگاه اجتماعی- اقتصادی بهتر در اجتماع است، بیشتر تأکید می‌ورزند.

در ابعاد اجتماعی و اقتصادی نسبت به دو بعد آموزشی و پرورشی، نگرش‌ها همسانی بیشتری نشان می‌داد. در این دو بعد، مضامین نگرشی مطرح شده در سؤالات اساساً حول محور تلقی مدارس غیرانتفاعی به عنوان جزئی از مشارکت اجتماعی، طبقاتی بودن آموزش و پرورش در مدارس غیرانتفاعی، قربانی شدن عدالت اجتماعی در ورود به مدارس غیرانتفاعی، کاهش مشارکت

مردم در آموزش و پرورش دولتی با وجود مدارس غیرانتفاعی، بی‌اعتماد شدن مردم به آموزش و پرورش با گسترش مدارس غیرانتفاعی، مدارس غیرانتفاعی نمود نیازهای طبقات مرفه و پول‌دار و... تمایل به شرکت در تظاهرات بر علیه مدارس غیرانتفاعی در صورت مهیا شدن شرایط، تمایل به سودجویی در میان مدیران و مؤسسان مدارس غیرانتفاعی، بی‌عدالتی اقتصادی غیرمنصفانه بودن شهریه‌های مطالبه شده در مدارس غیرانتفاعی و... دور می‌زند. مجموعه شواهد ارائه شده در این پژوهش نشان داد که نگرش‌های ابراز شده نسبت به مدارس غیرانتفاعی، در بعد اجتماعی و اقتصادی منفی است. مطالعات داخلی، نظیر قاسمی پویا (۱۳۸۰)، مسعودی‌فر (۱۳۷۹)، رشیدی (۱۳۷۴) و منتصری (۱۳۷۴) نیز اشاره کرده‌اند که ظاهراً شدیدترین واکنش‌ها و حتی اظهارنظرها و آرایه نگرش‌ها نسبت به مدارس غیرانتفاعی در سطح اجتماعی و احیاناً اقتصادی است. علاوه بر این، شواهد ارائه شده از واکنش‌ها و نگرش‌های خارج از کشور از قبیل مورس و سستر (۲۰۰۱)، هادجی (۱۹۹۷) و اکیدلزکی (۲۰۰۳) نشان می‌دهد که زمینه نوعی باور شبیه به آپارتاید اجتماعی (هادجی، ۱۹۹۷، ص ۱۲ را نگاه کنید) نسبت به مدارس خصوصی که فرزندان خانواده‌های مرفه را جذب و از این طریق فرصت‌های آموزشی بهتر و احیاناً تصاحب پایگاه اجتماعی- اقتصادی بالاتر را برای دانش‌آموختگان خود فراهم می‌کنند، وجود دارد. از سوی دیگر، شواهد تحقیقاتی دیگر نظیر لازی بیلی و پنگ‌تان (۲۰۰۳) در کشوری مثل ماداگاسکار نشان می‌دهد که در این کشور آفریقایی نیز فرزندان خانواده‌های مرفه‌تر و به ویژه طبقات خوش‌نشین، بیشتر به مدارس غیردولتی (خصوصی) می‌روند و به دلیل شرایط و جو مطلوب‌تر آموزشی، موفقیت و حتی میزان مردودی‌ها نیز نسبت به مدارس دولتی پایین‌تر است. از طرف دیگر، تحقیقات محققانی چون فیملی (۲۰۰۲) در آمریکا نشان می‌دهد که حتی اگر مدارس خصوصی هم نخواهند، به دلیل فضای خاص این مدارس،

احتمال جدا شدن نژادهای وابسته به طبقات مختلف اجتماع، به صورت پنهانی و خود به خودی وجود دارد. این گونه تحقیقات نشان می‌دهد که امکان وجود زمینه‌های واقع‌گرایانه نگرش‌های اجتماعی منفی نظیر بی‌عدالتی اجتماعی و امثال آن در مدارس خصوصی وجود دارد. البته تحقیقاتی نظیر تحقیق حج‌فروش و وثوق (۱۳۷۴) که نسبتاً جامع محسوب می‌شود و در مورد پایگاه اقتصادی و اجتماعی (و به ویژه شغل) والدین دانش‌آموزانی که به مدارس غیرانتفاعی می‌روند، انجام شده است، نشان می‌دهد که بخش اعظم (در حدود ۵۰ درصد و حتی بالاتر) این دانش‌آموزان از اقشار کارمند و فرهنگی که در حد متوسط به پایین درآمد دارند، هستند. این اطلاعات که از استان‌های متعدد (محروم، برخوردار و متوسط) به دست آمده، به طور جسدی با نگرش‌های اجتماعی افراد جامعه نسبت به مدارس غیرانتفاعی در تناقض است. چنین نگرش‌هایی ممکن است از باور و عقیده رایگان بودن آموزش و پرورش نزد افراد جامعه نشأت گرفته باشد. تقریباً همین همسو نبودن نگرش‌ها با واقعیات مدارس غیرانتفاعی در بعد اقتصادی نیز ظاهراً وجود دارد. به هر حال، این نگرش که مدارس غیرانتفاعی مخصوص پول‌دارهاست، اساساً به اصل پرداخت شهریه در این مدارس باز می‌گردد. این نکته قابل ذکر است که آموزش و پرورش طی سال‌های اخیر به اشکال مختلف، با کمک‌های مالی یا برقراری تسهیلاتی برای کسانی که مدرسه غیرانتفاعی دارند یا خواهان تأسیس این‌گونه مدارسند، برای برطرف کردن مشکلات مالی این مدارس تلاش کرده است. از طرف دیگر، همان‌گونه که قبلاً اشاره شد، مدارس غیرانتفاعی ممکن است با ایجاد فرصت برای خانواده‌های دارای تمکن مالی، فرصت سرمایه‌گذاری دولتی را در بخش مدارس دولتی که فرزندان اقشار مختلف و به ویژه فرزندان طبقات کم‌درآمدتر از آن‌ها استفاده می‌کنند، افزایش دهند. شواهد ارائه شده همچنین نشان داد که گرایش کلی نگرش‌ها علاوه بر چهار بعد به صورت تفکیکی، در

سطوح کلی (حاصل چهار بعد مطرح بر روی هم) منفی است. این گرایش نگرشی منفی در سطح کلی، چنانچه در تعریف نگرش نیز مورد اشاره قرار گرفت (در بخش مقدمه)، ممکن است نوعی آمادگی برای توجه یا اقدام به عمل خاصی را در پی داشته باشد. به هر حال، پورقاسمی (۱۳۷۴) نیز در تحقیقات خود اشاره کرده است، یکی از محدودیت‌های جدی مدارس غیرانتفاعی، احتمالاً همین نگرش‌های منفی است.

چنین به نظر می‌رسد که احاد جامعه اعمال کنترل و نظارت بیشتر حداقل بر برخی مدارس غیرانتفاعی جهت رعایت استانداردهای آموزشی، پرورشی، اجتماعی و اقتصادی را جزء وظایف سازمان‌ها و ادارات آموزش و پرورش می‌دانند. در عین حال، مقابله نتایج پژوهش حاضر با پژوهش‌های دیگر نشان داد که گروهی از نگرش‌های موجود در بین افراد جامعه ممکن است چندان تناسبی با واقعیات موجود نداشته باشد. این که این نگرش‌های ناهمسو با واقعیت، واقعاً از کجا نشأت گرفته است، به تحقیقات مستقل نیاز دارد ولی حداقل از این نظر باید به آن‌ها توجه کرد که شاید برای تغییر این موارد به تبلیغات و اطلاع‌رسانی دقیق‌تر نیاز باشد تا نگرش‌ها و نظریات گرایش به واقع‌گرایی بیشتر پیدا کنند. این وظیفه هم از جانب مدارس غیرانتفاعی و هم از جانب نظام آموزش و پرورش (در صورتی که حواهان دوام و بقای این مدارس باشد) باید دنبال شود.

فهرست منابع

- پورقاسمی، حسن (۱۳۷۴): توسعه مدارس غیرانتفاعی و عوامل بازدارنده، فصلنامه فرهنگ مشارکت، پاییز ۱۳۷۴. تهران، وزارت آموزش و پرورش.
- جلالی، محمدرضا (۱۳۷۶): بررسی جایگاه و عملکرد مدارس غیرانتفاعی استان مرکزی در سال‌های تحصیلی ۷۱ الی ۷۴. فصلنامه فرهنگ مشارکت. شماره ۱۴، تهران، وزارت آموزش و پرورش.
- حاضری، علی محمد (۱۳۷۷): مدارس غیرانتفاعی و تحرک اجتماعی: با تکیه بر مطالعه در شهرستان یزد. چاپ اول، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات.
- حجی‌فروش، احمد؛ وثوق؛ ایرج (۱۳۷۴): بررسی وضعیت مشاغل اولیای دانش‌آموزان مدارس غیرانتفاعی کشور و میزان شهریه‌های دریافتی برای هر گروه شغلی در سال تحصیلی ۷۴-۷۳، فصلنامه فرهنگ مشارکت، بهار و تابستان ۷۴، شماره‌های سوم و چهارم، تهران، وزارت آموزش و پرورش.
- حیدری، غلامحسین (۱۳۷۴): مدارس غیرانتفاعی نمی یا می، فصلنامه فرهنگ مشارکت، شماره ششم، تهران، وزارت آموزش و پرورش.
- رشیدی، حمید (۱۳۷۴): بررسی دیدگاه والدین دانش‌آموزان و دبیران مدارس غیرانتفاعی شهر خرم‌آباد نسبت به عملکرد این مدارس. شورای تحقیقات آموزش و پرورش استان لرستان.
- سجادی، سید مهدی (۱۳۷۵): نقش مدارس غیرانتفاعی در بهبود کیفیت آموزشی، فصلنامه فرهنگ مشارکت. شماره هفتم، تهران، وزارت آموزش و پرورش.
- سوداگر، رجیعلی (۱۳۷۳): بررسی وضعیت آموزشگاه‌های غیرانتفاعی شهر اهواز در رابطه با تأمین نظرات، خواسته‌ها و انتظارات فراگیران و والدین، شورای تحقیقات آموزش و پرورش استان خوزستان.

شریفی، حسن پاشا و شریفی، نسترن (۱۳۸۰)، روش‌های تحقیق در علوم رفتاری، چاپ اول، تهران، انتشارات سخن.

عمیدی، علی (۱۳۷۸)؛ نظریه نمونه‌گیری و کاربردی آن - جلد اول، چاپ اول، مرکز نشر دانشگاهی تهران.

قاسمی پویا، اقبال (۱۳۸۰)؛ مشارکت‌های مردمی در آموزش و پرورش، چاپ اول، بهار ۱۳۸۰، تهران، پژوهشکده تعلیم و تربیت، واحد انتشارات.

کریمی، یوسف (۱۳۷۵)؛ روان‌شناسی اجتماعی، چاپ سوم، تابستان ۱۳۷۶، تهران، نشر ارسباران.

کریمی، یوسف (۱۳۷۹)؛ نگرش و تغییر نگرش، چاپ اول، پاییز ۱۳۷۹، تهران، نشر ویرایش.

کونن، بروس (۱۳۸۰)؛ مبانی جامعه‌شناسی، ترجمه غلامعباس توسلی و رضا فاضل، چاپ دوازدهم، تابستان ۸۰، تهران، انتشارات سمت.

گلابی، سیاوش (۱۳۸۰)؛ اصول و مبانی جامعه‌شناسی، تابستان ۱۳۸۰، تهران، نشر میترا.

گلشن قومی، محمدرسول (۱۳۷۳)؛ جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، چاپ اول، تهران، نشر شیفته.

مسعودی‌فر، احمدرضا (۱۳۷۹)؛ نگرش کارکنان اداری، مدیران و معلمان شهر مشهد نسبت به مدارس غیرانتفاعی و عوامل مؤثر بر آن، طرح پژوهشی شورای تحقیقات آموزش و پرورش خراسان.

موریش، ایور (۱۳۷۳)؛ درآمدی به جامعه‌شناسی تعلیم و تربیت، ترجمه غلامعلی سرمد، چاپ اول، تهران، مرکز نشر دانشگاهی تهران.

مبتصری، غلامرضا (۱۳۷۴)؛ بررسی نظر اولیای دانش‌آموزان مدارس غیرانتفاعی وابسته به دانشگاه آزاد اسلامی، در مورد عملکرد مدیرست، معلمان و مربیان،

امکانات و تجهیزات و برنامه‌های فوق برنامه و تربیتی مدارس فرزندانشان.

پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران.

یزدان‌پناه، قاسم (۱۳۷۷)؛ نگاهی دوباره به عملکرد مدارس غیرانتفاعی، فصلنامه فرهنگ

مشارکت، تابستان ۷۷، شماره شانزدهم، تهران، وزارت آموزش و پرورش.

Aronson, E., Wilson, T.D., Akert, R. M., (1999). *Social Psychology*, Third Edition. Addison Wesley Educational Publishers Inc.

Baily, J., & Plessis, D. d., (1997). Understanding principals' Attitudes toward inclusive schooling. *Journal of Educational Administration*. Vol.35. No.5.PP. 428-438.

Baron, R.A., & Byrne, D. (2000). *Social Psychology*. Ninth Edition. Massachusetts: Allyn & Bacon.

Blascovich, J., Erast, J. M., Tomaka, J., Kelsey, R. M., Salomon, K. L., & Fazio, R. H. (1993). Attitude accessibility as a moderator of autonomic reactivity during decision making. *Journal of Personality and Social Psychology*. No. 64. PP. 165-176.

Boninger, D. S., Krosnick, J. A., & Berent, M. K. (1995). Origins of attitude importance: self- interest, social identification, and value Relevance. *Journal of Personality and Social Psychology*. No. 68. PP. 61-80.

Brehm, S., B Kassins, (1999). *Social Psychology*. Fourth Edition. Houghton Mifflin Company.

Brighthouse, H. (2001). Reform the private schools. *New statement*. Jan 8, 2001; 14. No. 638. P. 20.

Downing, J. W., Judd, C.W., & Brauer, M. (1992). Effects of repeated expressions on attitude extremity. *Journal of Personality and Social Psychology*. No. 63. PP. 17-27.

Eagly, A. H., & Chaiken, S. (1993). *The psychology of attitudes*. Fort worth, TX: Harcourt Brace Jovanovich.

Epple, D., & Romano, R. E. (1998). Competition between private and public schools, vouchers, and peer- group effects. *The American Economic Review*; Mar 1998. PP. 33-62.

Fairly, R.W. (2002). Private schools and Latino flight from black school children. *Demography*: Now 2002; No. 39, 40. PP. 655-674.

Friedkin, N. E., & Thomas, S. S. I. (1997). Social Positions in schooling. *Sociology of Education*. Oct 1997; No. 70, 4. PP. 239-255.

Hodge, M. (1997). We need our public schools. *New statement*: Now 14, 1997; No 10, 497. P. 12.

Jing, L. (1999). *Social Transformation and private education in china*. Westport, Connecticut: Praeger.

- Kenrick, D. T., Neuberg: S. L., Cilaclini, R.B. (1999). *Social Psychology*. First Edition. Allyn & Bacon.
- Kraus, S. J. (1995). Attitudes and the prediction of behavior: A Metanalysis of the empirical Literature. *Personality and Social Psychology Bulletin*. No 21. PP. 58-75.
- Krosnick, J. A., Betz, A. L., Jussim, L. J., & Lynn, A. R. (1992). Subliminal Conditioning of attitudes. *Personality and Social Psychology Bulletin*. No. 18. PP. 152-162.
- Lassibille, G., & Peng tan, J. (2003). Student learning in public and private primary schools in Madagascar. *Economic Development and Cultural Change*. April 2003; No. 51 PP. 699-717.
- Levine, G. M., Halberstadt, J. B., & Goldstone, R. L. (1996). Reasoning and the weighting of attributes in attitude Judgments. *Journal of Personality and Social Psychology*. No. 70. PP. 230-240.
- Mc Connell, A. R., Leibold, J.M., & Sherman, S. J. (1997). Within- target illuory correlations and the formation of context dependent attitudes. *Journal of Personality and Social Psychology*. No. 73. PP. 675-686.
- Myers, D. H. (1993). *Social Psychology*: Fourth Edition. Mc Grow Hill Book Company.
- Pisciotta, J. (1999). Teacher attitudes in Texas public and private schools. *On line*: WWW.1PPF.Org/education/Teacher/toc.html.
- Olson, J.M., & Zanna, M.P. (1993). Attitudes and change. *Annual Review of Psychology*. No. 72. PP. 253-261.
- Prislin, R., & oulette, J. (1998). When it is embedded, it is potent: Effects of general attitude embeddedness on formation of specific attitudes and behavioral intentions. *Personality and Social Psychology Bulletin*. No. 22. PP. 845-561.
- Roese, N. J., & Olson, J.M. (1994). Attitude importance as a function of repeated attitude expression. *Journal of experimental social Psychology*. No. 30. PP. 39-51.
- Schaller, L. (1979). *Public Versus private schools: A Divisive Issue for the 1980s*. Indiana: Christian century Foundation. On line: WWW.Christiancentury.org
- Skidelsky, W. (2003). Good manners and mediocre teachers. *New statement*: Mar 17,2003; No. 16, 748. P. 31.
- Taylor, S. E., Peplau, L.A. Cears, D.O. (2000). *Social Psychology*. Tenth Edition. New Jersey: Prantice- Hall Inc.